

پژوهشی در بازشناسی هویت یوحنا بن ماسویه (قرن سوم هجری قمری)

محبوبه رنجبر الف، محمد صدر الف*، حامد آرزایی الف

الف گروه تاریخ پزشکی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

چکیده

یوحنا بن ماسویه، که در تاریخ پزشکی دوره اسلامی از او به عنوان چشم پزشک، داروساز و مترجم یاد می شود، هر چند دارای شهرت فراوان است، اما از نظر آثاری که به او نسبت داده شده و حتی از نظر هویتی، به دلیل گزارش های متناقض و مبهم تاریخی، در بین محققان و پژوهشگران مورد بحث و ابهام است. او که طبق گزارش فهرست نویسان آثار متعددی در حوزه پزشکی دارد، محل ارجاع اطباء و داروشناسان دوره اسلامی بوده و دانشمندانی مثل ابوریحان بیرونی، محمد بن زکریای رازی، ابن جزار، ابن بیطار، حبیبش تغلیسی در آثار خود از جمله *الصیدنه*، *الحاوی*، *الاعتماد*، *الجامع لمفردات*، *الادویه*، *کفایه الطب* و ... به طور مکرر از او نقل قول کرده یا به آثار او ارجاع داده اند، اما این شهرت به جغرافیای جهان اسلام محدود نیست به گونه ای که انتساب سه رساله داروسازی قرون وسطایی که تأثیر عظیمی بر توسعه داروسازی در اوایل اروپای مدرن و جهان اسپانیایی داشت، به نویسندگی شخصی ناشناس با نام مسوئه نشان می دهد که «مسو» احتمالاً نامی مستعار و به عاریت گرفته شده از نام یوحنا بن ماسویه است و جدای از درستی یا نادرستی انتساب این رساله ها به یوحنا بن ماسویه، بیانگر شهرت جهانی این دانشمند دوره اسلامی است.

تاریخ دریافت: بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: تیر ۱۴۰۴

کلیدواژه ها: تاریخ پزشکی؛ طب ایرانی؛ پزشکی سنتی

مقدمه

«ماسویه جوان»، «ماسویه کوچک تر»، «ماسویه کاذب» می گفتند

که باعث سردرگمی شد (۳).

مقاله حاضر به پژوهش درباره هویت و نام او و به ارائه گزارش در این مورد می پردازد.

مواد و روش ها

این تحقیق یک پژوهش توصیفی تاریخی بر پایه مطالعات کتابخانه ای و تحقیق کتابخانه ای است. تحقیق کتابخانه ای (Library research) فرآیندی منظم و گام به گام می باشد که برای گردآوری اطلاعات از آن استفاده می شود. در این گروه تحقیقات اعم از توصیفی، علی، همبستگی، تجربی و غیره، محقق باید ادبیات و سوابق مسئله و موضوع تحقیق را مطالعه کند (۴). موضوع تحقیق

یوحنا بن ماسویه پزشک، مترجم و داروشناس سریانی زبان برجسته قرن سوم هجری است. او در پیشرفت نهضت ترجمه نقش مهمی ایفا کرده و ترجمه هایی از سریانی به عربی انجام داده است. همچنین آثار مهمی در زمینه چشم پزشکی و داروشناسی نگاشته است. آثار ابن ماسویه در کنار جالینوس و دیوسکوریدس از مهم ترین مراجع حکمای مقدم مانند محمد بن زکریای رازی در *الحاوی* می باشد (۱، ۲). در ترجمه های لاتین یوحنا بن ماسویه به منظور تمایز با «ماسویه کهنتر» (کوچک تر، اهل ماردین) به عنوان «مزو بزرگ تر»، «ماسویه مهتر» لقب گرفته است. در متون دارویی اوایل دوران مدرن، به طور مکرر نویسندگی آثار را به پزشکی به نام یحیی الماردینی ماسویه نسبت می دهند که به طور متناوب به او

Please cite this article as:

Ranjbar M, Sadr M, Arezaei H. A study on the reidentification on Yūhannā ibn Māsawayh. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2025;16(2):113-120. doi:10.22034/jiitm/16.2.6

Copyright: ©Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.

این پژوهش از حیث روش و ماهیت کتابخانه‌ای است و از آغاز تا انتها متکی بر یافته‌های تحقیق کتابخانه‌ای می‌باشد. این تحقیق بر روی منابع مکتوب انجام شده است و به سبب حوزه موضوعی آن، تحقیقی گذشته‌نگر محسوب می‌شود.

در این پژوهش در ابتدا به منظور تهیه زندگینامه و بررسی هویت یوحنا بن ماسویه کتاب‌هایی در موضوع تراجم، خصوصاً تراجمی که در خصوص شرح حال پزشکان نگاشته شده‌اند، از قدیمی‌ترین منابع بررسی و فیش‌برداری شدند. همچنین کتاب‌های تاریخی نیز که فصل یا بخشی از آن به موضوع مرتبط با پژوهش مورد نظر اختصاص داشت، بررسی و مطالعه و فیش‌برداری شدند.

علاوه بر این آثار چاپ‌شده، تحقیقاتی در مورد ابن ماسویه که در ایران و اروپا انجام شده بود، اعم از مقالات و کتاب‌ها جست‌وجو و شناسایی شدند و در سایت‌های معتبر مانند: World Cat, Google Scholar, Google book, پزشکی مانند: J store, Project muse, Libgen.ir جست‌وجو و شناسایی گردید. در این مرحله «ابن ماسویه» با چندین کلیدواژه مانند: (یوحنا بن ماسویه، یحیی بن ماسویه، یوهانس مسوئه، ابن ماسویه، یحیی بن ابوزکریا، Ibn Masawayh, Yuhanna ibn Masawayh, Jean mesue) جست‌وجو شد که پس از حذف موارد مشابه و نامرتبط با پژوهش، اطلاعات صحیح و مورد نیاز به دست آمد.

یافته‌ها

معرفی اجمالی یوحنا بن ماسویه

• زندگی و اصالت

ابوزکریا یوحنا (یحیی) ابن ماسویه خوزی (حدود ۱۶۱ تا ۲۴۳ ه‍.ق/ ۷۷۷ تا ۸۵۷ م) از خانواده‌ای از پزشکان سریانی‌زبان جندی‌شاپور به احتمال بسیار در حدود سال ۱۶۰ ه‍.ق/ ۷۷۶ م در جندی‌شاپور متولد شد. با توجه به اشارهای که از قول جبرائیل بن بختیشوع درباره عجمی‌بودن او و تعلق اعاجم به صناعات و حرف اجدادی و طبقاتی آنان آمده است، روشن می‌شود که ابن ماسویه تبار ایرانی داشته است. پدر او ماسویه اول یا ماسویه پدر است. برخی منابع نام پدر او را جرجیس، کنیه‌اش را ابویوحنا و

ملقب به ماسویه اول، ماسویه پدر یا ماسویه خوزی می‌دانند (۱). ماسویه از مسیحیان نسطوری جندی‌شاپور محسوب می‌شد که به کمک نسطوریان به داروخانه بیمارستان این شهر راه یافت. سی سال در آنجا به کوبیدن، نرم کردن و ترکیب داروها پرداخت، درحالی‌که هیچ آموزشی ندیده بود، اما به دلیل هوش و پشتکار زیاد توانست به صورت تجربی و عملی با بسیاری از بیماری‌ها، روش‌های درمان و انواع داروهای مفید به‌ویژه در چشم‌پزشکی آشنا شود (۲).

• تحصیلات

به روایت رهاوی، ماسویه دانشمندان و حکیمانی را برای تربیت یوحنا گماشت، اما او از آن دانشمندان نام نبرده است (۴). اگر روایت قفطی را درباره ورود ماسویه به بغداد بپذیریم، جبرائیل بن بختیشوع برجسته‌ترین و احتمالاً نخستین استاد یوحنا در طب بوده و خود او یوحنا را به ریاست شاگردان خود گمارده است (۳). گویا عیسی بن نون (ایشوع برنون) نیز که سپس به طریق نسطوریان شد، مدتی استاد او بوده است. لئون آفریقای متذکر شده که یوحنا در آغاز می‌خواست به کلیسا بپیوندد، اما اشتغال به علوم او را از این کار بازداشت (۵). با این‌همه به نظر می‌رسد که به مقام شماسی کلیسا نیز نائل آمد؛ زیرا در برخی از روایات از او با عنوان شماس یاد شده است. یوحنا با آن که بیشتر در طب تحصیل کرده بود، اما گویا منطق و حکمت نیز تدریس می‌کرده و مجالس درس او را پررونق‌ترین محافل علمی آن روز شمرده‌اند که همه گروه‌های اهل ادب در آن حاضر می‌شدند. منابع به چند تن از شاگردان او اشاره کرده‌اند، اما مشهورترین شاگرد او حنین بن اسحاق است که چندی نزد ابن ماسویه پزشکی خواند.

همچنین یوحنا بن ماسویه با دختر همکارش عبدا... طبفوری ازدواج کرد و پسر گنذدھنی هم داشته که برخی همچون ابن ابی‌اصیبه اشاره کرده‌اند که قصد تشریح او را داشته است. او پزشک مخصوص چهار خلیفه مشهور از مأمون تا متوکل عباسی بود. یوحنا بن ماسویه به سال ۲۴۳ ه‍.ق/ ۸۵۷ م در (سامره) روز دوشنبه پنجم جمادی‌الآخر، در زمان خلافت متوکل عباسی وفات یافت (۶).

تأثیر گذاری ابن ماسویه بر پزشکان پس از خود

ابن ماسویه با گروه کثیری از دانشمندان و وزیران دوستی داشت و کندی، فیلسوف مشهور، رساله‌ای در «نفس» برای او نوشت. همچنین طبق نظر ریتز رساله علم/الکتف را کندی خطاب به یحیی ماسویه نوشته است. دانشمندان مهمی هم از نظرات او در تدوین آثارشان بهره برده‌اند. یکی از کهن‌ترین منابعی که در زمان حیات ابن ماسویه تدوین شده و نویسنده در تألیف آن از نظرات ابن ماسویه بهره برده، کتاب فردوس/الحکمه ابن ربین طبری است. همچنین آثار ابن ماسویه در کنار جالینوس و دیوسکوریدس از مهم‌ترین مآخذ رازی به شمار می‌روند. رازی در الحاوی به آثار مختلف ابن ماسویه بسیار استناد کرده است. همچنین موفق‌الدین هروی در کتاب/الانبیه عن حقایق الادویه، ابوریحان بیرونی در/الصیدنه، ابن بطالان در تقویم الصحه و ابن بيطار در الجامع لمفردات بسیار از او نقل قول کرده‌اند.

نقش ابن ماسویه در نهضت ترجمه

به روایت ابن جُلجل، هارون الرشید او را به ترجمه کتاب‌های طبی، که از آنقره (آنکارا) و عموریه آوردند، مأمور کرد و نویسندگانی ماهر در خدمتش گماشت. از این رو به نظر می‌رسد که یوحنا جز سریانی و عربی، زبان یونانی نیز می‌دانسته است. اما این روایت به احتمال زیاد مربوط به روزگار مأمون و تلاش او برای ترجمه آثار یونانی و نیز دوره معتصم و فتح عموریه می‌باشد. یوحنا در خدمت مأمون مقام و منزلتی بسزا داشت، تا آنجا که رئیس «بیت‌الحکمه» شد (۷). مانند بسیاری از نویسندگان این دوره، تشخیص افسانه از واقعیت در خصوص ابن ماسویه مشکل است. گفته شده که او ترجمه‌هایی از یونانی به عربی انجام داده است، اما هیچ‌کدام به نام او موجود نیست؛ به احتمال زیاد، او فقط سفارش‌دهنده بعضی از آنها بوده است. حنین بن اسحاق و حبیب بن حسن اعسم به درخواست یوحنا بن ماسویه به ترجمه کتاب‌هایی از جالینوس که به عربی ترجمه شده، پرداخته‌اند. به وضوح تأیید شده که ترجمه حنین بن اسحاق از کتاب Galen's Methodus Medendi (کتاب حیلہ البر عربی؛ روش‌های التیام بخش) به درخواست ابن ماسویه بوده است. در این خصوص می‌توان مواردی از حنین نقل قول کرد؛ به عنوان نمونه در کتاب فی

الادویه المفردة، حنین به کتاب الصوت جالینوس اشاره می‌کند و حنین نقل می‌کند: «یوسف الخوری بخش اول این کتاب را به شکل بسیار بدی به سریانی درآورده بود. پس از او اوب و هادی ترجمه بهتری از آن فراهم آورد. اما آن گونه که شایسته است از عهده کار برنیامد. سپس من آن را برای سلمویه به سریانی درآوردم و در درستی ترجمه بسیار کوشیدم. سرجس بخش دوم این کتاب را ترجمه کرده بود و یوحنا بن ماسویه از من خواست آن را با بخش دوم (اصل یونانی) مقابله و تصحیح کنم و من نیز این کار را انجام دادم. اما بهتر بود که آن را دوباره ترجمه می‌کردم». در جای دیگر حنین در کتاب فی التنبیر الملتف می‌گوید: «من آن را به سریانی برای یوحنا بن ماسویه و به عربی برای اسحاق بن سلیمان ترجمه کردم». یا در مورد کتاب فی ترکیب الادویه، حنین بیان می‌کند: «سرجس این کتاب را ترجمه کرد و من نیز آن را در دوران خلافت امیر متوکل برای یحیی بن ماسویه ترجمه کردم و حبیب از روی ترجمه من برای محمد بن موسی به عربی درآورد». همچنین حنین در مورد کتاب فی ما وقع من الاختلاف فی التشریح می‌گوید: «ایوب این کتاب را ترجمه کرده بود و تصحیح آن مرا از پا درافکند. در نتیجه آن را از نو برای یوحنا بن ماسویه به سریانی ترجمه کردم و مفاهیم آن را به بهترین وجه روشن ساختم». حنین در مورد کتاب فی الحركة الصدور الرئه نیز چنین ذکر می‌کند: «من این کتاب را به سریانی ترجمه نکردم و پیش از من نیز کسی به این کار نپرداخت، اما اصطفی بن بسیل آن را برای محمد بن موسی به عربی درآورد. سپس محمد بن موسی از من خواست آن را مقابله کنم و افتادگی‌های احتمالی آن را برطرف سازم. من نیز چنین کردم، پس از آن یوحنا بن ماسویه از حبیب خواست آن را از عربی به سریانی درآورد و او نیز چنین کرد» (۸). حنین به نظر می‌رسد که یوحنا بن ماسویه فقط مترجم آثار نبوده و بیشتر در مقام سفارش‌دهنده آثار به حلقه ترجمه به سرپرستی حنین بن اسحاق بوده است.

آثار به جامانده

ابن ماسویه نویسنده پرکاری بوده است. براساس کتاب‌های تراجم متقدم چون عیون الانباء ابن ابی اصیبعه، ۵۰ اثر به او نسبت داده شده است. فؤاد سزگین در جلد سوم تاریخ نگارش‌های عربی

به معرفی نسخه‌های خطی و آثار چاپ‌شده و پرداخته و تعداد این آثار را ۴۲ اثر ذکر کرده است که بعدها هر یک از آنها را اثر مستقلی پنداشته‌اند.

ابهام در مورد هویت یوحنا بن ماسویه

آثار یوحنا بن ماسویه اولین بار در شمال ایتالیا به همراه تفسیرهای لاتینی با حداقل هفتاد نسخه در حال گردش تا اواخر قرن پانزدهم ظاهر شد که درواقع نشانه‌ای از اهمیت اولیه آنها و جایگاه نویسندگانی است که حواشی و تفسیرهایی بر آثار نوشتند (۹). در ترجمه‌های لاتین، یوحنا بن ماسویه به‌عنوان «مزو بزرگ‌تر»، «ماسویه مهتر»، «ماسویه مسن‌تر»، «ماسویه عالی‌رتبه» لقب گرفته است. از طرفی در متون دارویی اوایل دوران مدرن نویسندگی آثاری را که از لحاظ محتوا تا حدودی با آثار یوحنا بن ماسویه مشابه است به پزشکی به نام یحیی الماردینی ماسویه نسبت می‌دهند که به‌طور متناوب به او «ماسویه جوان»، «ماسویه کوچک‌تر»، «ماسویه کاذب» یا گاهی «یوحنا دمشقی» گفته می‌شد. این تشابه محتوایی کتاب‌ها و همچنین تشابه اسمی بین این دو پزشک موجب سردرگمی و گاهی تشکیک در هویت و آثار منسوب به یوحنا بن ماسویه از سوی محققان شده است.

این ابهام زمانی به وجود آمد که رساله‌های سه‌گانه دارویی تحت عنوان «Die Canones des Pseudo-Mesue» در اوایل دوران مدرن در غرب مورد توجه قرار گرفتند. این رساله‌ها درحقیقت مجموعه‌ای از قوانین داروشناسی بودند که دستورالعمل‌های کلی در مورد چگونگی انتخاب، تهیه و به‌کاربردن داروهای ساده و ترکیبی را ارائه می‌دادند. به‌نظر می‌رسد که با استفاده از نام «ماسویه»، نویسندگان رساله‌های سه‌گانه دارویی احتمالاً قصد داشته است که از بزرگی نام یحیی (یوحنا) بن ماسویه، پزشک معروف و مورداحترام قرن نهم میلادی استفاده کند تا آثارش از مقبولیت مناسبی بین جامعه پزشکی آن دوران بهره‌مند شوند؛ چرا که ماسویه بزرگ‌تر (یوحنا بن ماسویه) مسئول ترجمه بسیاری از آثار از زبان یونانی بود و بیش از چهل رساله در زمینه‌های مختلف پزشکی از جمله آناتومی، چشم‌پزشکی، آموزه‌های پزشکی، داروهای معطر و احتمالاً یک کتاب درباره پادزهرها (آنتی دوتاری) نوشته است و انتساب این رساله‌ها به او

می‌توانست به نشر و گسترش آنها کمک کند.

این نظریه زمانی تقویت می‌شود که نتایج بررسی‌های برخی از محققان در مورد این رساله‌ها تفاوت‌هایی را از لحاظ محتوایی با آثار یوحنا بن ماسویه نشان می‌دهد؛ به‌طور مثال دانیل ژاکار معتقد است که ماسویه مهتر نمی‌تواند نویسنده رساله‌های دارویی موردنظر در اوایل دوران مدرن باشد؛ زیرا مطالعات زبان‌شناسی و محتوای این آثار، به‌وضوح آنها را به‌عنوان آثار قرن یازدهم یا بعدتر شناسایی کرده‌اند (۱۰).

همچنین لئون آفریقایی رساله‌ای به نام برخی مردان برجسته عرب (De viris quibusdam illustribus apud Arabes) را در خصوص بیوگرافی ماسویه کوچک در سال ۱۵۲۷ ه‍.ق (حدود ۱۴۹۴ تا حدود ۱۵۵۴ ه‍.ق)، منتشر کرد. براساس گفته‌های لئون آفریقایی، ماسویه کوچک یک مسیحی یعقوبی بود که در شهر ماردین، در کنار رودخانه فرات به دنیا آمد و «پزشکی و فلسفه را در شهر بغداد آموخت» و با ابن‌سینا تحصیل کرده بود. او همچنین کتابی نوشت «در مورد ترکیب داروها، مانند شربت‌ها، پمادها، صمغ‌ها و دیگر چیزهای مشابه». سپس به قاهره رفت، جایی که در میان خاندان خلیفه زندگی می‌کرد و «ثروت، املاک و افتخارات زیادی کسب کرد». او در سال (۴۰۶ ه‍.ق/۱۰۲۸ م) در سن نودسالگی درگذشت. به عبارت دیگر ۱۵۰ سال پس از ماسویه بزرگ‌تر بود (۱۱).

همچنین سمفوریان شامپیه (۱۴۷۱ تا ۱۵۳۸ ه‍.ق)، پزشک برجسته و دانشمند پزشکی در لیون، پس از بررسی صفحات اولیه رساله‌های سه‌گانه متوجه شد که این صفحات اولیه یک شجره‌نامه مختصر از نویسنده آن ارائه می‌دهد. در شروع این رساله‌ها چنین آورده شده است: «به نام خداوند رحمان که این سخن از او فضل می‌گیرد و از آموزش او تکمیل می‌شود، کلمات از یوحنا، پسر مسویه، پسر حامش، پسر هیللی، پسر عبدالله، پادشاه دمشق، نشئت می‌گیرد». این شجره‌نامه اولین مرجع بیوگرافی شناخته‌شده از ماسویه کوچک در رساله‌ای در پزشکی از نویسندگان مشهور در پنج بخش (۱۵۰۶ ه‍.ق) تهیه شده است. شامپیه بیان می‌کند که مسویه در قرن دوازدهم زندگی می‌کرد و از نسل پادشاه دمشق بود. او به‌عنوان پزشک در دمشق به درمان بیماران پرداخته و چندین اثر نوشته است، از جمله رساله‌ای در

مورد داروهای مفرد (داروهای ساده) و رساله‌ای دیگر به نام *قراپادین* (داروهای ترکیبی). به گفته شامپیه، مسویه یک مسیحی و «قابل اعتماد و نیکو سرشت بود».

با وجود این گزارش‌های بیوگرافی، شواهدی که وجود ماسویه کوچک را تأیید کنند، همچنان نامشخص و مبهم هستند. مهم‌تر از تفاوت‌های آشکار میان این گزارش‌ها، ماهیت مشکوک آنهاست که بسیاری آن را جعلی می‌دانند. براساس گفته‌های زیگلند لیباکنخت (Sieglinde Lieberknecht)، نویسنده رساله‌ای در مورد قانون ماسویه، شامپیه، «بیوگرافی» از ماسویه کوچک را جعلی و ساختگی می‌داند و چندین نویسنده بر اعتبار لئون آفریقای به شدت تردید کرده‌اند (۱۲). علاوه بر این، هر دو بیوگرافی پس از مرگ ظاهری ماسویه نوشته شده‌اند و هیچ گزارش بیوگرافی شناخته شده‌ای از ماسویه کوچک در منابع عربی وجود ندارد و هیچ نسخه اصلی از آثار عربی برای تأیید یا تطبیق با این گزارش‌ها موجود نیست. بنابراین به متون عربی توجه زیادی نشده است (۱۲). همچنین نبود ارجاعات به سه‌گانه ماسویه در متون داروشناسی عربی، علی‌رغم سنت قوی بهره‌برداری از منابع پیشین، از قرن یازدهم تا سیزدهم جلب توجه می‌کند؛ برای مثال، *منهاج الدکان* (نوشته کوهین عطار)، که در قاهره در قرن سیزدهم میلادی نوشته شده است، مشروعیت خود را از این حقیقت می‌گیرد که بهترین دستورهای دارویی را از متون داروشناسی پیشین گردآوری کرده است، اما *قراپادین* ماسویه در میان آنها نیست. همین امر در مورد آثار داروشناسی ابن‌تلمیذ، سمرقندی و ابن‌بکلار نیز صادق است؛ کسانی که در زمان‌ها و مکان‌هایی زندگی می‌کردند که به‌طور معقول می‌توان فرض کرد که از این رساله‌های سه‌گانه مطلع بوده‌اند. به نظر می‌رسد که بسیار بعید است سه اثر با این درجه از اهمیت، نوشته پزشک برجسته‌ای، وجود داشته باشند و در آثار بعدی هیچ اشاره‌ای به آنها نشود (۱۳). یک احتمال امیدوارکننده‌تر برای بیوگرافی ماسویه را گروهی از محققان آلمانی مطرح کرده‌اند که بر این باورند متون احتمالاً در قرن سیزدهم در بولونیا تولید شده‌اند، جایی که مدرسه پزشکی اسکولاستیک آن دوران تحت سرپرستی تادیو آلدروتی (Taddeo Alderotti) رونق داشت. براساس زبان، محتوا و ارجاعات به نویسندگان عرب در آثار، این محققان نسخه‌های خطی را به سال‌های ۱۲۶۰ تا ۱۲۹۰

میلادی نسبت داده‌اند (۱۴). برای مثال، لیباکنخت نشان داده است که در «قانون‌های ماسویه» قطعاتی به‌طور کلمه‌به‌کلمه از ترجمه لاتینی *قانون ابن‌سینا* آورده شده است که این امر آن را به‌طور قاطع به‌عنوان محصولی از دنیای لاتین غربی قرار می‌دهد. طبق این دیدگاه، احتمالاً متون یا توسط فردی که به نام ماسویه شناخته می‌شود، نوشته شده‌اند یا از نسخه‌های عربی، که اکنون ناشناخته‌اند، جمع‌آوری شده‌اند تا اعتبار و منزلت به آنها افزوده شود. همان‌طور که لیباکنخت استدلال کرده است، تنها راه رسیدن به هویت قطعی برای منشأ رساله‌ها، بررسی کامل‌تر منابع عربی است. با این حال، شواهد متنی نشان می‌دهند فردی که این متون را گردآوری کرده، با دسترسی به ترجمه‌های لاتینی متون کلاسیک عربی که در میان مدارس پزشکی اروپایی در اواخر قرن سیزدهم در حال گردش بودند، از بغداد، دمشق یا قاهره نبوده است و به‌طور قطع در زمان‌های بعد از تاریخ‌هایی که به ماسویه بزرگ و ماسویه کوچک نسبت داده شده، زندگی کرده است. این امر همچنین می‌تواند توضیح دهد که چرا به این *رساله‌های سه‌گانه* (سه رساله پزشکی تحت نام مسویه) در متون داروشناسی عربی قرون وسطی اشاره‌ای نشده است.

در عین حال، درمان ماسویه که‌تر از داروهای مفرد نشان‌دهنده نوآوری‌های مهمی است که تحت تأثیر داروسازی عربی و چه‌بسا یوحنا بن ماسویه قرار گرفته، چرا که نویسندگان عربی به‌طور چشمگیری تعداد داروهای مفرد را در داروشناسی خود گسترش دادند. امپراتوری‌های اسلامی به‌واسطه وسعت نفوذ و ماهیت جهانی خود، به سنت‌های پزشکی ایرانی، بابلی، هندی و دیگر فرهنگ‌ها، به علاوه سنت یونانی، دسترسی پیدا کردند (۱۵). دانش داروهای مفرد جدید و خود داروهای مفرد از طریق مسیرهای تجاری که دریای مدیترانه را به بین‌النهرین، ایران، هند، سریلانکا، تبت و چین متصل می‌کرد، منتقل شد. درحقیقت، بیش از یک‌چهارم از چهل‌ونه داروی مفرد را که ماسویه که‌تر در فهرست خود ذکر کرده داروسازی عربی معرفی کرده است. رساله *سه‌گانه قانون ماسویه* درحقیقت مجموعه‌ای از قوانین داروشناسی بودند که دستورالعمل‌های کلی در مورد چگونگی انتخاب، تهیه و به‌کاربردن داروهای ساده و ترکیبی را ارائه می‌دادند؛ اگرچه از نظر محتوا متفاوت بودند، اما از نظر روش‌شناسی و معرفت‌شناسی

فلسفی مشابه پیشینیان عرب خود از جمله یوحنا بن ماسویه عمل می‌کردند (۱۶).

در میان بعضی از آثار عربی در مورد ابهام در خصوص هویت یوحنا بن ماسویه، می‌توان به قفطی در انباه لرواه اشاره کرد. او در این کتاب ذیل یکی از استادان، محمد بن حسن طوبی صقلی، شاعر عرب، که در ۴۵۰ ه‍.ق زنده بوده، از پزشکی به نام ماسویه [واژه «بن» در این کتاب، افزوده مصحح است] یاد کرده، اما مشخص است که یوحنا بن ماسویه در این تاریخ نمی‌توانسته زنده باشد و روایت قفطی مربوط به ماسویه دیگری است که گویا در سیسیل می‌زیسته و این تاریخ نزدیک به همان زمانی است که لئون آفریقایی از ماسویه مذکور یاد کرده است. همچنین از ماسویه سوم یا به تعبیر خود او ماسویه دوم کاذب خبر داده که در سده ۱۳ میلادی می‌زیسته است.

همچنین در نسخه چاپی معجم البلدان یا قوت (ذیل جرمیهن) نام یحیی بن ماسویه در شمار راویان آمده، اما این نام تصحیف یحیی بن ماسویه است که در کتاب‌های رجال بارها از او یاد شده است (۱۷).

بحث

ابوزکریا یوحنا (یحیی) ابن ماسویه خوزی (حدود ۱۶۱ تا ۲۴۳ ه‍.ق/۷۷۷ تا ۸۵۷ م) پزشک ایرانی‌نژاد و مسیحی نسطوری شاگرد جبرئیل بن بختیشوع و معلم حنین بن اسحاق از مردم خوزستان بود. او پزشک مخصوص مأمون بود و مأمون او را به ریاست بیت‌الحکمه بغداد برگزید. ابن ماسویه یکی از مشهورترین پزشکان جندی‌شاپور بود. او احتمالاً از زمان هارون تا زمان خلیفه متوکل همواره از پزشکان دربار بوده است. ابن ماسویه با اغلب پزشکان معاصر خود، چون جبرئیل بن بختیشوع، سلمویه، خانواده طیفوری و حتی حنین اختلاف داشت، اما بعدها با حنین طرح دوستی ریخت. آثار ابن ماسویه در کنار جالینوس و دیوسکوریدس از مهم‌ترین مراجع می‌باشد و این خود بر اعتبار او می‌افزاید.

در ترجمه‌های لاتین، ابن ماسویه به‌عنوان Filius Mesue یا Mesue Senior (بزرگ‌تر) لقب گرفته است، جهت وجه افتراق با Mesue Junior (کوچک‌تر) اهل ماردین Mardin که طبق نظر

لئون آفریقایی در سال ۴۰۶ ه‍.ق در قاهره فوت کرده است؛ به عبارت دیگر ۱۵۰ سال پس از Mesue بزرگ‌تر. عده‌ای در وجود او تردید کرده و بعضی اصلاً منکر وجود شخصی که در منابع او را به ماسویه نامبردار (ماسویه بزرگ‌تر) کرده‌اند، شده‌اند. با وجود این، آثار دارویی یوحنا بن ماسویه به‌عنوان داروشناس همواره مورد توجه حکمای متقدم بوده است و شاید به‌دلیل همین توجه بود که سه رساله داروسازی قرون وسطایی که تأثیر عظیمی بر توسعه داروسازی در اوایل اروپای مدرن و جهان اسپانیایی داشت به نویسندگی شخصی ناشناس با نام مسوئه، که احتمالاً نامی مستعار و به‌عاریت گرفته‌شده از نام یوحنا بن ماسویه است، ظاهر شدند. پائولا د. وس در همین راستا چنین نتیجه‌گیری می‌کند که حتی اگر وجود این شخص جعلی و کاذب باشد، نشان‌دهنده توجه بازار غرب لاتین به نویسندگان عرب و آثار داروسازی عرب و علی‌الخصوص توجه ویژه به یوحنا بن ماسویه داروشناس مشهور در قرن نهم میلادی (سوم ه‍.ق) است. همان‌طور که نام مستعار عربی نشان می‌دهد، این رساله‌ها به‌وضوح محصول جهان اسلام قرون وسطی برای برآورده کردن خواسته‌های «بازار داروسازی» در حال توسعه اواخر قرن سیزدهم میلادی اروپا بودند، جایی که نسخه‌های خطی برای اولین بار ظاهر شدند که درواقع از جمله نوآوری‌های بسیاری بودند که اگرچه پایه و اساس نظریه و عمل داروسازی را برای قرن‌ها فراهم کردند و مسلماً بخشی از تأثیر معرفت‌شناسی حرفه‌ای بر انقلاب علمی بودند، اما تحت تأثیر داروسازی تمدن اسلامی و یوحنا بن ماسویه بودند (۱۸).

نتیجه‌گیری

یوحنا بن ماسویه به‌عنوان مترجم و همچنین سفارش‌دهنده ترجمه نقش مهمی را در نهضت ترجمه داشته و همچنین شهرت او در داروسازی باعث شده رساله‌های سه‌گانه به‌منظور افزودن اعتبار به او نسبت داده شود. البته به‌دلیل تشابهات محتوایی این رساله‌ها با آثار دوره اسلامی، بررسی منشأ و مأخذ محتوای این رساله‌ها نیازمند تحقیقات بیشتر در آثار پزشکی دوره اسلامی است.

References

1. Al-Bīrūnī AM. *Al-Saydanah fi al-Tibb* (Pharmacy in Medicine). Tehran: Academy of Persian Language and Literature; 1389. [In Arabic].
2. Zahir al-Baba M. *Al-Qarabadinat*. Aleppo: Higher Institute of the History of Arabic Science; 1977. [In Arabic].
3. Ibn al-Qifti A. *Ta'rikh al-Hukama*. Translated by Lippert J. Leipzig: Dieterich'sche Verlagsbuchhandlung; 1903. [In German].
4. Al-Rohawi I. *Adab al-Tabib*. Frankfurt: Institute for the history of Arabic-Islamic Science; 1985. [In German].
5. Leclerc L. *Histoire de la médecine arabe*. Paris: E. Leroux; 1876. [In French].
6. Jacquart D. “*Ibn Māsawayh*” in *Encyclopaedia of the history of science, technology and medicine in non-western cultures 2016* (pp. 2315-2317). Eited by Selin H. Dordrecht: Springer; 1997. [In English].
7. Ibn Abi Usaybi'a A. *‘Uyūn al-Anbā’ fi Ṭabaqāt al-Aṭibbā’*. Beirut: Dār al-Maktaba al-Hayat; 1996. Vol.1. [In Arabic].
8. Sezgin F. *Ta'rikh-i Nigārish'hā-Yi ‘Arabī* (History of Arabic writtings). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2007. Vol.3. [In Persian].
9. Lieberknecht S. Die Canones des Pseudo-Mesue: Eine mittelalterliche Purgantien-Lehre. Quellen und Studien zur Geschichte der Pharmazie. 1995;71:1-249. [In German].
10. Jacquart D. “Principales e’tapes dans la transmission des textes de me’dicine (XI–XIVe sie`cle)” in *Rencontres de cultures dans la philosophie médiévale: Traductions et traducteurs de l’antiquité tardive au XIVe Siècle: Actes du colloque international de cassino, 15–17 juin 1989*. Edited by Hamesse J, Fattori M. Brepols- Turnhout: 1991. P:251-271. [In French].
11. Hottinger JH. *Bibliothecarius quadripartitus*. Tiguri: Sumptibus Melchioris Stauffacheri; 1664. Bk.2, Ch.3, P:261-262. [In German].
12. Lieberknecht S. Die Canones des Pseudo-Mesue: Eine mittelalterliche Purgantien-Lehre. Quellen und Studien zur Geschichte der Pharmazie. 1995;71:1-249. [In German].
13. Labarta A. La farmacología de Ibn Buklaris: sus fuentes. *Actas del IV Coloquio Hispano-Tunecino*. 1983:163-74.
14. Neuberger M. *Geschichte der medizin*. Stuttgart: F. Zuke; 1906–1911. [In German].
15. Meyer-Steineg T, Sudhoff K. *Geschichte der medizin im überblick mit abbildungen*. Jena: Gustav Fischer; 1921. [In German].
16. Stannard J. “Medieval herbals and their development” In *Clio medica. Acta academiae internationalis historiae medicinae*. Brill; 1974 Jan 1. Vol.9, P:23-33. [In German].
17. Ibn al-Sam’ānī A. *Kitāb al-Ansāb*. Beirut: Dār al-Janan; [n.d]. [In Arabic].
18. De Vos P. The “Prince of Medicine”: Yūḥannā ibn Māsawayh and the foundations of the western pharmaceutical tradition. *Isis*. 2013 Dec 1;104(4):667-712.



A study on the reidentification on Yūḥannā ibn Māsawayh (3rd century AH)

Mahboobeh Ranjbar^a, Mohammad Sadr^{a*}, Hamed Arezaei^a

^aDepartment of History of Medicine, School of Persian Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Yūḥannā ibn Māsawayh, despite being a renowned ophthalmologist, pharmacist, and translator from the Islamic period, is a figure shrouded in debate and ambiguity among scholars due to contradictory historical reports and uncertainties surrounding his attributed works. Catalogers have noted numerous medical works in his name. Yūḥannā served as a key reference for doctors and pharmacists of the era, with notable scientists like Abū Rayḥān al-Bīrūnī, Muhammad ibn Zakariyyā al-Rāzī, Ibn al-Jazzar, Ibn al-Bayṭār and Hubaysh-i Tiflisi frequently quoting and referencing his works in their books including *Al-Saydanah*, *Al-Hawi*, *Al-I'timād*, *Al-Jāmi li-Mufradāt al-Adwiya* and *Kifāyat al-Tibb*. Remarkably, his fame extends beyond the Islamic world. The attribution of three influential medieval pharmaceutical treatises to an unknown individual named “Mesue” likely inspired by Yūḥannā ibn Māsawayh's name—showcases the global recognition of this Islamic period scholar, regardless of the correctness of the attribution of these treatises.

Keywords History of Medicine; Persian Medicine; Traditional Medicine

Corresponding Author: sadr.m@iums.ac.ir

Please cite this article as:

Ranjbar M, Sadr M, Arezaei H. A study on the reidentification on Yūḥannā ibn Māsawayh. *Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine*. 2025;16(2):113-120. doi:10.22034/jiitm/16.2.6

Copyright: ©Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.